

یهودی منوهین^۱



ترجمه امیر اشرف آریان پور

پرتال جامع علوم انسانی

آرروز فراموش نشدنی ۲۵ نوامبر سال ۱۹۲۷ بود .
صدها تماشاچی صندلی های تالار عظیم « کارنگی هال » نیویورک را اشغال

۱ - خوانندگان مجله موسیقی آگاه هستند که یهودی منوهین از علاقمندان جدی به موسیقی سنتی و ملی کشورهای شرقی است و به عنوان رئیس « انجمن موسیقی آسیائی » لندن در زمینه معرفی سنن موسیقی ملی شرقی فعالیت های پرارجی انجام می دهد. منوهین در سمینار بین المللی موسیقی که سال آینده در تهران برگزار خواهد شد شرکت خواهد نمود. در شماره آینده مجله موسیقی درباره سمینار مزبور اطلاعاتی بچاپ خواهد رسید .

کرده بودند و انتظار شروع برنامه را می کشیدند. لحظه‌ای بعد نوازندگان ارکستر در جای خود قرار گرفتند و سپس رهبر ارکستر در حالی که دست پسر بچه‌ای را بدست داشت ، وارد صحنه شد .

آنروزها « کارنگی هال » از مهمترین مراکز اجرای موسیقی محسوب می‌شد و بسیاری از بزرگترین خوانندگان و نوازندگان جهان در آنجا هنرنمایی کرده بودند ؛ بهمین جهت تماشاچیان روز ۲۵ نوامبر حق داشتند که از دیدن پسر بچه چاق و چله‌ای که با نهایت خونسردی پهلوی رهبر ارکستر ایستاده و بآنان می‌نگریست ، حیرت‌کنند و بسیاری که تاکنون نوازندگی او را نشنیده بودند از اطرافیان خود راجع باو می‌پرسیدند .

هنوز حرف های « تنگ گوشی » تماشاچیان تمام نشده بود که پسر بچه مورد بحث آنان ویولون خود را به « کنسرمایستر » ارکستر سپرد و از او خواهش کرد آنرا کواک کند . سپس چهارضربه سازهای ضربی کنسرتو ویولون بتیوون را آغاز کرد و بدنبال آن صدای سحرآمیزی از تماس آرشه پسرک با سیم های ویولون بگوش رسید

ناگهان شنوندگان بخود آمدند و چشم‌ها و گوش‌ها باز و بازتر شد . ناقدان که مثل همیشه در نزدیکترین محل به صحنه نشسته بودند ، گره از پیشانی گشودند و با دهان باز محو هنرنمایی او شدند ... برآستی او معرکه میکرد . تکنیک تمیز و شفافش با موزیکالیتته فوق‌العاده‌ای همراه بود و این همه هنرازیك آدم بالغ که سالها موسیقی نواخته بود ، نیز انتظار نمی‌رفت ، چه رسد به او که فقط یازده سال داشت . اما از نظر شنوندگان « یهودی منوهین » يك كودك بشمار نمی‌رفت بلکه هنرمندی بلند پایه و توانا بود که يك شبه ره صد ساله پیموده بود . فردای آنروز « اولین دونر » ناقد روزنامه نیویورک تایمز راجع باو اینطور نوشت ؛ « منوهین تکنیک درخشان و استثنائی دارد . این تکنیک « چشم-بندی » نیست بلکه با استعداد فراوان و حسن تشخیص ذاتی منوهین بنا شده ، و برآستی او با اجرای کنسرتو ویولون بتیوون دین خود را نسبت به آهنگساز بزرگ آلمانی ادا کرده است . »

استقبال شنوندگان از یهودی منوهین آنقدر زیاد بود که او ناچار شد دو روز بعد همین برنامه را مجدداً در « کارنگی هال » بنوازد ؛ دو هفته بعد نیز (۱۲ دسامبر) در همان تالار رسیتال ویولونی داد و « شاکون » باخ (برای ویولون تنها) ، سونات در ر ماژور موزار (اثر ۲۷۱) ، « پوئم » از شاسون ،

سونات «تربیل شیطان» اثر تارتینی و تعدادی قطعات کوتاه را با همراهی پیانوی معلم خود «لوئیز پرسینگر» به نحوی دلنشین نواخت.

این کنسر آخرین سوءظن و تردید علاقمندان موسیقی را نسبت به منوهین بر طرف ساخت و آنان مطمئن شدند که با یکی از استثنائی ترین نوازندگان قرن روبرو شده اند. از آن پس از منوهین در هر محفل هنری به بزرگی یاد می‌شد و او اجازه یافت که در مجالس انحصاری هنردوستان نیویورک راه یابد.

دوران کودکی و آغاز تعلیم

اجداد منوهین از روحانیون مقیم روسیه بودند و پدر او «موشه» در شهر «گومل» چشم بجهان گشود. در خانواده منوهین تعلیم ویولون مرسوم بود. «موشه» نیز مدتی درس ویولون گرفت اما به تقاضای پدرش نواختن ویولون را دنبال نکرد. پدر او عقیده داشت که: «برای یک یهودی اصیل شایسته نیست که تا هنگامی که در تبعید بسر می‌برد نوازندگی پیشه کند.»

«موشه» در پانزده سالگی به فلسطین سفر کرد و در دبیرستانی مشغول تحصیل شد و در همانجا بود که با همسر آینده خود «ماروتا» آشنا شد؛ ماروتانیز از کرانه های دریای سیاه (یاالتا) به فلسطین آمده بود.

بزودی آندو عازم آمریکا شدند و بسال ۱۹۱۴ در نیویورک با هم ازدواج کردند. چندی بعد موشه در دانشگاه نیویورک مشغول تحصیل ریاضیات و «پداگوژی» شد. این زن و شوهر جوان از یهودیان «پر و پا قرص» بودند و به یهودی بودن خود افتخار می‌کردند. بهمین جهت نام اولین پسر خود را که در ۲۲ آوریل ۱۹۱۶ متولد شد «یهودی» گذاشتند که معادل فارسی آن «یهودی» با (فتح ی) است.

چند ماه بعد از تولد یهودی، موشه به تحصیل خود خاتمه داد و در شهر الیزابت (ایالت نیوجرسی) مشغول تدریس در مدرسه یهودی ها شد. در این شهر خانواده موشه مدت کوتاهی ماند، زیرا موشه از کارش راضی نبود. بناچار خانواده عازم سانفرانسیسکو شد و موشه با کمک یهودیان مدرسه مخصوصی جهت اطفال یهودی بنا کرد.

در این زمان «یهودی» فقط دو سال داشت و با این حال بزودی در شمار «کنسر بروها»ی شهر سانفرانسیسکو محسوب شد. توضیح آنکه والدین



او شوقی وافر به کنسره‌های ارکستر شهر داشتند و برای آنکه در مخارج پرستار بچه صرفه‌جوئی کرده باشند یهودی‌رانیز با خود می‌بردند. البته او از سنفونی‌های موزار و بتهوون چیزی نمی‌فهمید اما بدون تردید همین برنامه‌ها همچون جرقه‌ای، عشق به نوازندگی را در روح و جان یهودی مشتعل ساخت.

این استعداد نهفته بزودی بارورتر شد و هنگامی که یهودی پنج ساله بود اجازه یافت که شروع به تعلیم ویولون بنماید. چند ماه بعد اصول مقدماتی موسیقی را نزد مادرش فراگرفت و از آن پس بجای بازی به فراگرفتن ویولون و تئوری موسیقی پرداخت.

در این میان خانواده منوهین نیز بزرگتر شده بود؛ در آوریل ۱۹۲۰ آنها صاحب‌دختری شدند که نامش را «هیپزیبا» (بزبان عبری یعنی «خواهش-دل») گذاشتند؛ در اکتبر ۱۹۲۱ نیز دختر دیگرشان «یالتا» چشم بجهان گشود.



با دو خواهرش
(سال ۱۹۲۷)

نتیجه اولین درس ویولون یهودی چندین درخشان نبود اما چند هفته بعد ناگهان استعداد نهفته خود را نشان داد. هنوز بیش از شش ماه از آغاز تعلیم او نگذشته بود که در ۲۶ نوامبر ۱۹۲۱ در تالار منزل معلمش برای اولین بار جلوی جمعیت قرار گرفت و قطعه کوتاهی را نواخت.

در فوریه ۱۹۲۲ «منوئه» یادروسی را بهمراهی پیانو مادرش در «انجمن موزیکال پاسیفیک» اجرا کرد. چند ماه بعد در همان تالار بخش سولو یکی از کنسرتوهای ویولون را بهمهده گرفت و ناقد روزنامه «بازپرس سان-فرانسیسکو» درباره سولیست برنامه اینطور نوشت: «او روزی در حرفه خود به مقام استادی خواهد رسید.»

بدنیال این موفقیت منوهین کنسرتو شماره ۹ «بریو» را - که قطعه بسیار مشکلی است - در حضور عده زیادی با هنرمندی اجرا کرد و ناقد روزنامه «وقایع سان فرانسیسکو» راجع باو چنین اظهار عقیده کرد: «از موقعی که آرشه وی بر روی سیمهای ویولون قرار گرفت، شنوندگان محو هنرنماییش شدند. او شیوه‌ای مخصوص بخود دارد و بسیار پخته و عمیق می‌نوازد...»

مسابقات و بولون که امروزه هر نوازنده جوانی در آنها شرکت می کند و خیلی ها يك یا چندبار در آنها برنده شده اند ، در زندگی منوهین نقش چندانی ندارد (البته در آن زمان تعداد مسابقات خیلی محدودتر از امروز بود) یهودی در سالهای نخستین تعلیم فقط در دو مسابقه شرکت کرد ؛ در مسابقه اول بخاطر اجرای « منوئه » در سل مازور اثر بتهوون جایزه دوم را گرفت ، و در دومی که شش ماه بعد انجام شد کنسرتو و بولون مندلسون را آنچنان عالی نواخت که هیئت داوران مسابقه باتفاق آراء جایزه اول مسابقه را باو دادند .

در فوریه ۱۹۲۴ تکنیک و موزیکالیته یهودی منوهین بنحو بی سابقه ای پخته و عمیق شد . این « پختگی » در اجرای نقش سولو « صحنه باله » اثر « بریو » که با شرکت ارکستر سنفونیک شهر سان فرانسیسکو اجرا گردید ، کاملاً بچشم می خورد . در ۲۵ مارس ۱۹۲۵ اولین رسیتال و بولون خود را داد و ناقدی در چند کلمه هنر او را ستود ؛ « این استعداد نیست ، نبوغ واقعی است . » « پرسینگر » و کوارتت زهی او برای اجرای چند برنامه عازم نیویورک بودند ؛ منوهین نیز که نمی خواست يك لحظه از معلم خود جدا شود باتفاق مادر و دو « واهرش » او را همراهی کرد و در نیویورک به تعلیم خود ادامه داد . در ۱۷ ژانویه ۱۹۲۶ شاگرد و معلم برنامه مشترکی در تالار عظیم « اپرای مانهاتان » نیویورک و در برابر عده معدودی شنونده اجرا کردند و موفقیت منوهین فوق العاده بود . او در این برنامه سونات در می مازور هندل ، سنفونی اسپانیول لالو ، کنسرتو در ر مازور پاکانی نی و چند قطعه کوتاه نواخت . ناقد « مجله موسیقی - امریکا » درباره او اینطور نوشت ؛ « مهارت او در انگشت گذاری و نیروی بازویش باورنکردنی است ... » با این همه منوهین نیویورک را برای شروع فعالیت های خود مناسب ندید و چندی بعد به سان فرانسیسکو بازگشت .

دو سه ماه بعد منوهین رسیتال دیگری در سان فرانسیسکو داد که در آن ثروتمند و موسیقی دوست معروف « سیدنی ارمان » حضور داشت و او که شیفته هنر منوهین شده بود ثروت خود را بی ریا در اختیار خانواده منوهین گذاشت و از آن پس آرزوی « پرسینگر » جامه عمل بخود گرفت . « پرسینگر » می خواست منوهین را جهت ادامه تحصیل و تعلیم نزد معلم سابق خود Eugene Ysaie در بروکسل بفرستد .

در پائیز سال ۱۹۲۶ خانواده منوهین از اوقیانوس اطلس گذشت و چند هفته بعد منوهین در حضور « Ysaie » سنفونی اسپانیول لالورا نواخت و به توصیه

او « ژرژ انسکو » ویرتوئوز و آهنگساز عالیقدر رومانی را به معلمی برگزید .
در فوریه ۱۹۲۷ منوهین سنفونی اسپانیول را با شرکت ارکستر « لامورو »
برهبری « پل پارای » نواخت ؛ یک هفته بعد کنسرتو ویولون چایکوفسکی را
اجرا کرد و بدنبال آن دعوتنامه های متعدد از ممالک جهان به او رسید ؛ اما پدرش
که نمی خواست به تعلیم یهودی لطمه ای وارد آید ، به تمام پیشنهادها جواب ردداد
در تابستان همان سال یهودی و خانواده اش بدعوت انسکوسفری به رومانی
کردند و چون یکماه بعد به پاریس بازگشتند دعوتنامه ای از « فریتس بوش »
برای اجرای برنامه ای در « کارنگی هال » نیویورک ، روی میزشان بود ؛ و در
همین برنامه بود که منوهین با اجرای کنسرتو ویولون بتهوون شهرت جهانی یافت .
شک نیست که برای ویرتوئوز جوان اجرای کنسرتوئی که دورترین آرزوی
هر نوازنده ویولون است ، آسان نبود ؛ والدین او و حتی « فریتس بوش » هم
موافق نبودند که او این کنسرتورا بنوازد . « بوش » بدرستی منوهین را نمی شناخت
و فقط باصرار « والتر دامروش » رهبر ارکستر سنفونیک نیویورک تصمیم گرفت
او را بشنود . خود او در دفتر خاطراتش چنین می نویسد : « آشنائی با یهودی -
منوهین از خاطرات خوش زندگی من است . قبل از آن کم و بیش شرح موفقیت
های او را - که در آن موقع نه سال بیشتر نداشت - در جراید پاریس خوانده
بودم . من قصد داشتم قسمت سولو یکی از کنسرهای آینده خود را با او بسپارم و
باور نمی کردم که حتی به تقاضای من حاضر با اجرای کنسرتو ویولون بتهوون بشود ؛
همانطور که « ژاکی کوگان » هنرپیشه معروف هم نقش « هاملت » را نپذیرفت .
بعد بفکر افتادم که اجرای یکی از کنسرتوهای موزار را به او واگذار کنم ؛ اما
در همین موقع پدر منوهین سراغم آمد و از من تقاضا کرد که یکبار منوهین را
ضمن اجرای کنسرتو ویولون بتهوون بشنوم . کاری نمیشد کرد ؛ ناچار پیشنهاد او
را پذیرفتم .

در یکی از اطاقهای هتل سی و سه طبقه « گوتهام » برای اولین بار با
پسرک بلوند روبرو شدم ، معلم او « لوئیز پرسینگر » و پدرش نیز او را همراهی
می کردند . چند لحظه بعد یهودی ویولونش را برداشت و بقدری استادانه شروع
بنواختن کرد که من در همان دقایق نخستین مغلوب شدم و موافقت کردم که او این
کنسرتو را بنوازد . برآستی این پسر یازده ساله به « مرحله کمال » رسیده بود ..

آغاز شهرت و افتخار

بدنبال کنسرهای منوهین در نیویورک باردیگر تقاضاهای متعددی از اطراف و اکناف جهان به اورسید . همه میخواستند این کودک نابغه را از نزدیک ببینند و هنرنمایش را بشنوند . خانواده منوهین بر سر دو راهی گیر کرده بودند نه می توانستند این همه استقبال مردم را ندیده بگیرند و نه مایل بودند که در تحصیلات یهودی وقفه ای حاصل شود .

پدر و مادر یهودی یقین داشتند که تربیت يك کودک با استعداد کار آسانی نیست ، بهمین جهت تمام کوشش خود را صرف پیشرفت و تحصیل او می کردند . مادر یهودی مرکز و رئیس خانواده بود و در تربیت کودکش استبداد رأی داشت . او بشدت بچه هایش را تحت نظر می گرفت و بجزئی ترین کارهایشان رسیدگی می کرد ؛ باین ترتیب یهودی و خواهرانش با مردم تماس نداشتند و دیوار عظیمی آنان را از دیگران جدا کرده بود .

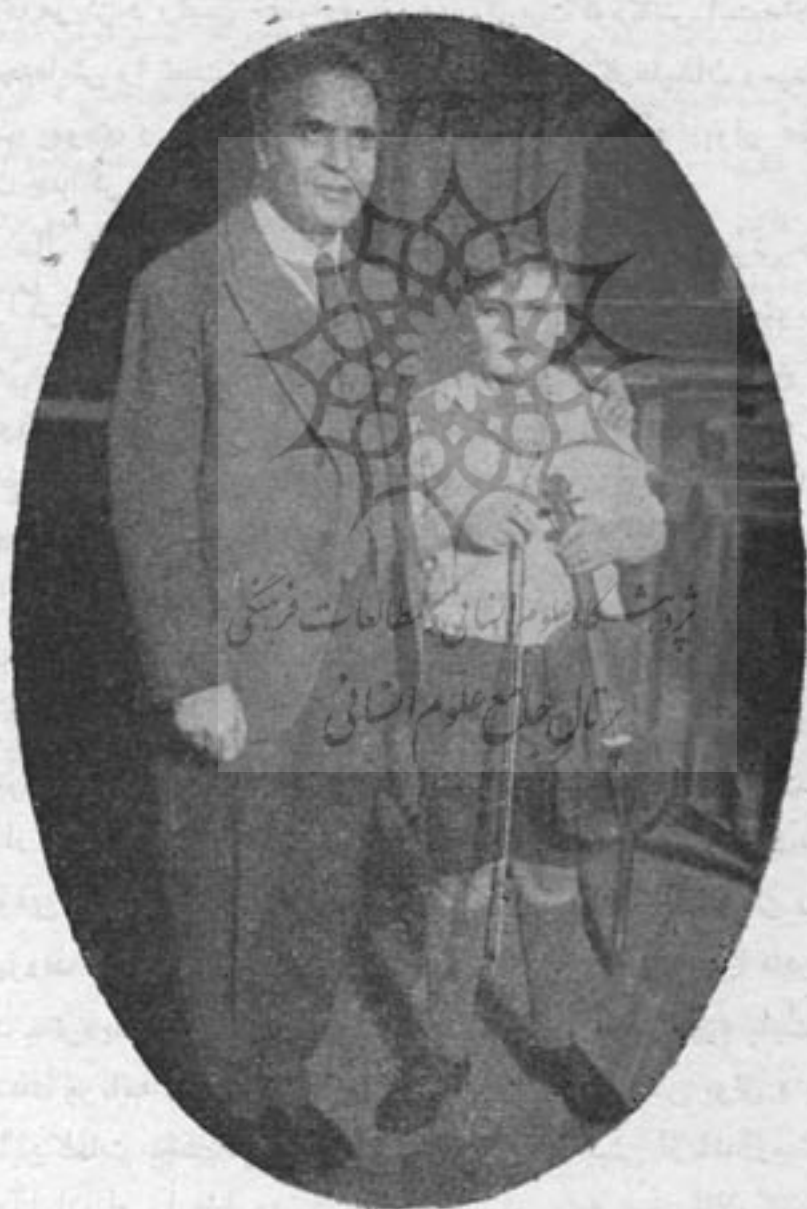
در سال ۱۹۲۸ منوهین ضمن ادامه تعلیم ویولون و گسترش « ریپرتوار » خود به فراگرفتن معلومات عمومی نیز پرداخت و چندین معلم بنوبت در منزل به او درس می دادند ؛ پدرش نیز در ساعات فراغت باور ریاضیات و تاریخ می آموخت . یهودی در زمینه مسائل فنی فقط به اتومبیل توجه داشت ؛ بهمین جهت بدون اطلاع پدر و مادرش رانندگی یاد گرفت و در سیزده سالگی گواهینامه رانندگی بدست آورد .

در اواخر سال ۱۹۲۸ اولین « تورنه » کنسر یهودی در امریکا و اروپا با کنسری در سان فرانسیسکو آغاز شد ؛ ضمن این سفر او برای اولین بار کنسرتو ویولون برامس را در شهر مینیا پولیس نواخت و پس از اجرای کنسری در نیویورک با اتفاق خانواده اش عازم آلمان شد . طبق قرار قبلی یهودی می بایست در یکشب با همکاری ارکستر فیلامونیک برلن کنسرتو ویولون باخ را بنوازد .

منوهین در آلمان ناشناس نبود و علاقمندان موسیقی کم و بیش راجع به هنر او شنیده بودند اما برنامه مشکلی که قرار بود او در یکشب اجرا کند مردم رادر خرید بلیت به تردید واداشت . همین تردید مردم در مورد تهیه بلیت « لوئیزه- ولف » متصدی برنامه را ناچار ساخت که نامه ای به « فریتس بوش » بنویسد . در آخر نامه این کلمات بچشم می خورد ؛ « امریکا او را بیش از اندازه تشویق کرده در حالی که آلمان او را فقط دوست خواهد داشت ... » نصف تالار کنسر در موقع اجرای برنامه منوهین خالی بود !

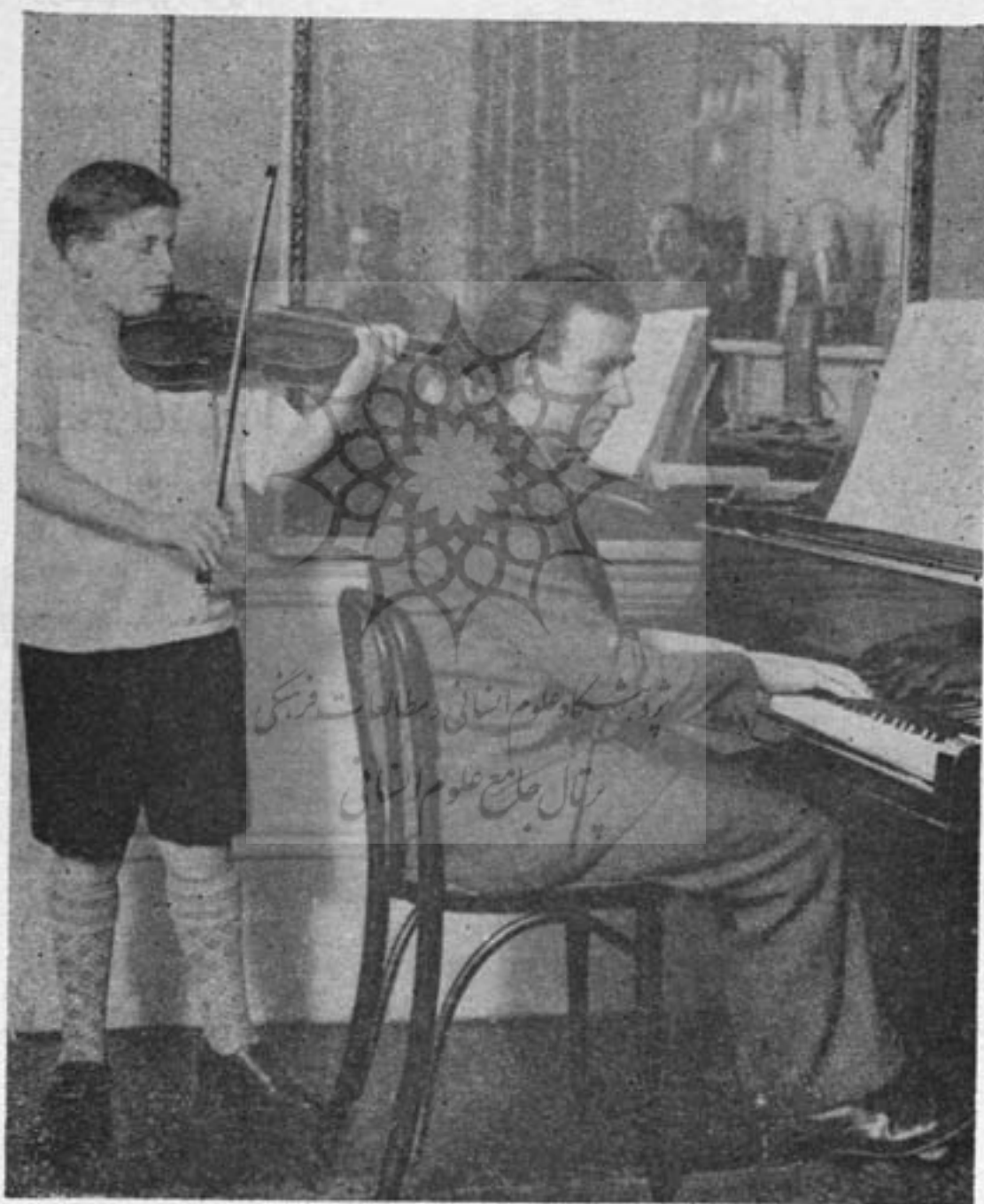
قبلا قرار بود « فریتس بوش » کنسر را رهبری کند اما او بخاطر مرگ
ناگهانی پدرش عذر خواست و متصدیان برنامه بناچار « برونو والتر » را دعوت
به همکاری کردند .

بعدها « برونو والتر » راجع بآن برنامه اینطور نوشت : « در حدود يك
ربع قرن پیش بود که برای اولین بار منوهین را بروی صحنه دیدم ، با وجود این
هنوز هم آنشب را بیاد دارم و طرز اجرای منوهین بیادم هست . او يك كودك بود
اما در موقع نواختن مثل اینکه در قالب مردی بزرگسال و هنرمندی کم نظیر
میرفت . آنچه مرا برآستی به حیرت واداشت تکنیک عالی منوهین نبود بلکه شیوه
او بطور کلی بود ؛ یهودی با تمام روح خود بر موسیقی حکومت می کرد . ما با هم



با برونو والتر (سال ۱۹۲۹)

هماهنگی زیادی داشتیم . البته گاهی ضمن تمرین به نکات بسیار کوچکی برمی‌خوردم
 اما این « نکته »ها آنچنان ناچیز بود که اشاره بآنها لازم نمی‌دانستم و بهمین
 جهت به منوهین چیزی نمی‌گفتم . بلکه توافق بین ما دو جانبه بود ... منوهین
 بخصوص در اجرای جمله‌های آرام کنسرتو و بولون باخ استادی فراوانی از خود
 نشان می‌داد . کنسرتو باخ يك موسیقی آسمانی است و برای نواختن آن تکنیکی
 پخته و عمیق لازم است ... »



با « هوبرت گیزن »

در این کنسر « آلبرت انشتاین » نیز حضور داشت و در روزنامه‌ای راجع به منوهین اینطور نوشت : « من تا کنون نظیر استعداد و نبوغی را که این جوان داراست در کسی ندیده‌ام . تکنیک تمیز و شفاف او در اجرای همه قسمت‌های برنامه بچشم می‌خورد و انگشتان کوچک او که کاملاً بفرمانش بودند مرا بیاد چهل سال پیش می‌اندازد که برای اولین بار « یواخیم » بزرگ را شنیدم . »
چندی بعد منوهین همین برنامه را با رهبری « فریتس بوش » در شهر درسدن اجرا کرد .

در پائیز ۱۹۲۹ منوهین برای انجام يك رشته کنسر مجدداً به آلمان سفر کرد و در اوایل سال ۱۹۳۰ « تورنه » ای در سراسر امریکا داشت . در همه این برنامه‌ها « هوبرت گیزن » او را با پیانو همراهی می‌کرد .

برنامه‌های منوهین در انگلیس با استقبال فراوانی روبرو شد . در ۱۰ نوامبر ۱۹۲۹ او با توافق ارکستر فیلامونیک لندن کنسرتو ویولون برامس را در « آلبرت هال » نواخت و روز بعد در سیاتل ویولونی در همانجا اجرا کرد ؛ همچنین برای اولین بار کنسرتو ویولون در سل مینور بروخ را جهت ضبط در صفحه گرامافون نواخت .

بعد از « تورنه » امریکا در سال ۱۹۳۰ ، منوهین به شهر بازل (سویس) بازگشت و در پائیز آن سال با توافق خانواده خود مقیم پاریس شد .
(بقیه دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی